

از شصت سال پیش تا امروز

هادی عالم زاده

دانشکده الهیات دانشگاه تهران

بیش از ۶۱ سال پیش (فروردین ۱۳۱۴) نخستین شماره از نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی - دانشکده معقول و منقول آن روز - با عنوان « مجموعه رسائل دانشکده معقول و منقول » در سه بخش فارسی ، عربی و فرانسه و ۶۶ صفحه انتشار یافت . در « عدد اول » آن سرمقاله ای کوتاه به قلم معاون دانشکده آمده با عنوان « مقصود اصلی » که در آن اهداف و خطوط کلی این مجموعه در سه بند به شرح زیر بیان شده :

« اولاً - نشر افکار علما و دانشمندان و استادانی که در این دانشکده به افاده و تعلیم علوم اسلامی مشغولند و آشنا ساختن هوئی خواهان معارف به اهمیت آثار پیشینیان و جدّ و جهد آنان در پیشرفت علوم و تهذیب اخلاق و راهنمایی جامعه به کمال در جنبه مادی و معنوی .

ثانیاً - نشر تحقیقاتی که فضلا و دانشمندان گرانمایه در اطراف مسائل علمی و ادبی و فلسفی بعمل می آورند و غالباً در این دانشکده بصورت خطابه ایراد می شود .
ثالثاً - آگاه ساختن علاقمندان از جریان امور فنی و نظامات و مقررات این دانشکده و چگونگی تحصیلات سالیانه طلاب . »

« علاوه بر اینها اداره دانشکده در نظر دارد که در هر مجموعه نمونه ای از نقاشیها و تصاویر و خطوط و پشت جلدها و سرلوحه ها ... کتب منحصر و نسبتاً نادری که در کتابخانه محفوظ است فصل جامع و ملخصی مشتمل بر مزایا و فهرست مطالب ... در این مجموعه مندرج سازد . »

این دوره از انتشار مجله دانشکده تا تیرماه ۱۳۱۷ ادامه یافت و حاصل آن ۸ شماره

(سالی دو شماره و تقریباً شش ماه یکبار) بود. حجم قابل توجهی از شماره‌های ۱-۳ و صفحاتی از شماره ۸ به گزارش‌های اداری و آموزشی، شرح دروس، مواد و سؤالات امتحانی و صورت نام پذیرفته شدگان و فارغ‌التحصیلان دانشکده اختصاص یافته که همه به لحاظ احتواء بر نکات مهم و جالب در زمینه تاریخ آموزش عالی کشور درخور مطالعه و بررسی و حائز اهمیت بسیار است، اما باقی مندرجات مجلدات نشر یافته یکسره عبارت است از متن خطابه‌های علمی دانشمندان نامدار آن روزگار در موضوعاتی متنوع به این شرح: افلاطون (در سه قسمت)، خطابه، سیر فکر بشر، تاریخ ریاضی، زندگانی کارلایل، مانی، محمد زکریای رازی، روش علمی در تعلیم و تربیت، وراثت و تربیت، کانت و عقاید او، فرهنگستان ایران؛ و نشر دو متن موجود در کتابخانه دانشکده: یکی راه انجام نامه (متنی از بابا افضل کاشانی به تصحیح استاد محمد مشکوة) و دیگری متن وقف نامه مدرسه سهسالار و چند وقف نامه دیگر مربوط به همین مدرسه.

در واقع باید اعتراف کرد که این دوره از نشریه دانشکده علاوه بر آنکه درست در راه نیل به اهداف خود گام برداشته، غالب موضوعات و مطالب خطابه‌هایی که در این مجلدات نشر یافته همان چیزی است که باید در مجلات علمی تحقیقی امروز دانشگاهی درج شود، زیرا هم از نظر موضوع در روزگار خود نو و ابتکاری بوده و هم به لحاظ محتوا از غنای درخور تحقیقات دانشگاهی برخوردار است، بویژه خطابه ملک الشعراء بهار در باره مانی، غلامحسین رهنما در تاریخ ریاضی و علی اکبر سیاسی در باب وراثت و تربیت.

مجموعه مذکور از تاریخ تیرماه ۱۳۱۷ روی در محاق تعطیل کشید و تا بهار ۱۳۴۹ که دفتر یکم مقالات و بررسیها نشر یافت، این دانشکده فاقد نشریه ادواری بوده است^(۱). شاید بتوان گفت که از این تاریخ دوره دوم انتشار نشریه این دانشکده آغاز می‌شود. در سرمقاله نخستین شماره (دفتر یکم)، با عنوان «گفتگویی با همکاران ارجمند و

۱- باید یادآور شد که دانشکده الهیات در اسفند ۱۳۴۵ مبادرت به انتشار مجله‌ای (Bulletin) با عنوان «نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی» کرد که به لحاظ مندرجات آن به خبرنگارها بیشتر می‌ماند تا نشریات ادواری علمی - تحقیقی، و ظاهراً تنها یک شماره (شماره اول، سال اول) از آن نشر یافته است.

دانشجویان عزیز» به قلم دکتر محمد محمدی، رئیس وقت دانشکده، تصریح شده که مجموعه «مقالات و بررسیها» نشریه گروه پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی است، اما از ماهیت و اعضا و وظایف این گروه پژوهشی به هیچ روی سخنی به میان نیامده و در جملات بعدی نویسنده نیز اشاره‌ای روشن به این گروه پژوهشی نشده جز آنکه می‌خوانیم: «این مجموعه شامل مقالات و بررسیهایی است که بوسیله هیأت علمی این دانشکده و سایر دانشمندان، در زمینه تحقیقات اسلامی و فلسفی و ادبی و هرآنچه با درس و برنامه‌های این دانشکده ارتباط دارد ...» اما همچنان معلوم نمی‌شود که آیا مراد از گروه پژوهشی دانشکده همان هیأت علمی دانشکده است یا گروهی منتخب از میان آنان؛ همچنین تا دفتر ۳۷ نشریه (۱۳۶۱ ش / ۱۴۰۲ ق) ذکری از هیأت تحریریه نشریه یا سردبیر و مسؤول آن به میان نمی‌آید. از شماره ۳۸-۳۹ (۱۳۶۲ ش / ۱۴۰۳ ق) به بعد است که گروهی از استادان برجسته دانشکده به عنوان هیأت تحریریه «مقالات و بررسیها» معرفی شده‌اند که در طی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ در ترکیب اعضای آن تغییراتی مشاهده می‌شود.

در سرمقاله و هیچ جای دیگر از دفتر یکم «مقالات و بررسیها» به این مطلب نیز که نشریه فصلنامه است یا چیزی دیگر اشاره‌ای نشده، اما از انتشار چهار دفتر در چهار فصل سال ۱۳۴۹ می‌توان دریافت که قرار بر آن بوده که «مقالات و بررسیها» فصلنامه باشد و در هر سال چهار شماره (دفتر) انتشار یابد، ولی از همان سال نخستین این قرار و ترتیب به هم ریخته، و جز دفتر یکم و دوم که هر کدام جدا در مجلدهای مستقل نشر یافته، دفتر ۳-۴ (با تاریخ پاییز و زمستان ۱۳۴۹)، هر دو شماره با هم در یک مجلد، و در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ چهار دفتر در یک مجلد منتشر شده است. از سال بعد تا ۱۳۵۵ این فصلنامه ظاهراً به صورت هر دو دفتر در یک مجلد انتشار می‌یابد، ولی از این سال به بعد بی‌نظمی در نشر آن آشکارتر می‌شود: دفتر ۲۷ با عنوان «1, Special issue» در یک مجلد (یکسره به زبان انگلیسی و فرانسه، همچنانکه پیش از این دفتر ۲۳-۲۴ نیز در نیمه سال ۱۳۵۴ یکسره به زبان عربی منتشر شده بود)، دفتر ۲۸-۲۹ (به تاریخ ۱۳۵۴) در یک مجلد، دفتر ۳۰ (در ۱۳۵۶) در یک مجلد با عنوان «عدد خاص ۲» (یکسره به زبان عربی)، دفتر ۳۱ (در ۱۳۵۷) با عنوان «1, Special issue» (یکسره به زبان انگلیسی و فرانسه)، دفتر ۳۲-۳۳ (در ۱۳۵۸) در یک مجلد، دفتر ۳۴ (با تاریخ ۱۳۵۹) در قطعی کوچکتر و هیأتی کاملاً

م تفاوت با دیگر دفترها و با عنوان « عرفان حافظ » اثر استاد شهید مرتضی مطهری (به مناسبت سومین سال شهادت استاد مطهری) دفتر ۳۵-۳۶ (در ۱۳۶۰) در یک مجلد ، دفتر ۳۷ (مورخ ۱۳۶۱) در قطع و هیأتی مشابه دفتر ۳۴ و با عنوان « احیاء تفکر اسلامی » اثر استاد شهید مرتضی مطهری (به مناسبت سومین سالگرد شهادت استاد ...) - معلوم نیست چگونه بر روی جلد این دو دفتر عبارت « به مناسبت سومین سالگرد [یا سال] شهادت استاد ... » آمده ، در حالی که دو سال فاصله در تاریخ نشر آنها دیده می شود - دفتر ۳۸-۳۹ (در ۱۳۶۲) در یک مجلد و دفتر ۴۰ نیز در همان سال و یکسره به زبان انگلیسی و لاتین نشر یافته است . باید افزود که برخی از مقالات نشر یافته در شماره های خاص - انگلیسی و فرانسه - در واقع ترجمه کامل یا چکیده مقالات فارسی در شماره های همان سال است . پس از این بی نظمیها و یک دوره توقف سه ساله ، از سال ۱۳۶۵ بار دیگر با نوعی نظم (سالانه دو دفتر در یک مجلد ، یعنی هر شش ماه یک دفتر) تا دفتر ۵۷-۵۸ (در سال ۷۴-۷۳) منتشر شده است . این بی نظمیها معلول مشکلات مختلف ، خاصه فراهم نگشتن مقالات علمی - تحقیقی لازم و درخور نشر در مجله بوده و از این روی هرگز میسر نگشته که این نشریه در تاریخ معین و زمان مورد نظر نشر یابد . پیداست که اگر در رفع این مشکلات اقدام نشود این داستان همچنان ادامه خواهد یافت ، چنانکه این مشکلات مانع گشت تا دفتر ۵۹ و ۶۰ مستقل از یکدیگر و هر شش ماه یک دفتر منتشر شود . با آنکه برای رفع مانع اساسی یعنی کمبود مقالات تدابیری پیش بینی شده ولی متأسفانه این تدابیر چندان مؤثر نیفتاده است . یکی از این تدابیر اختصاص پنج بند از ماده دو آیین نامه ارتقاء اعضاء هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به کسب امتیاز از مقالات تحقیقی و ضرورت کسب حداقل معینی امتیاز از این ماده است . بر اساس این آیین نامه « هر مقاله چاپ شده در مجلات معتبر علمی داخلی یا خارجی که مبتنی بر پژوهشهای اصیل و مؤثر در گسترش دانش در سطح جهانی باشد دارای صفر تا هفت امتیاز ؛ و مقالات تحقیقی یا تحلیلی اصیل یا مقالات مبتنی بر تألیف ، گردآوری « با هدف » در یک زمینه علمی دارای صفر تا یک امتیاز ... » است . اما این آیین نامه نیز نتیجه چندانی نداشته است . زیرا اگر مفاد همین بندها از این آیین نامه با دقت اعمال گردد ، عملاً باید مجلات دانشگاهی همه مشحون از مقالات علمی - تحقیقی و قابل عرضه در سطح جهانی باشند و هیچ مجله ای به سبب کمبود مقالات دچار وقفه نگردد . متأسفانه بسیاری از این مقالات که حیثاً در جریان

ارتقاء نیز حائز امتیازات لازم گشته از سطح مقالات تحقیقی اصیل و درخور نشر در مجلات دانشگاهی بسیار فروتر است؛ و دیگر آنکه بسیاری از استادان نامدار که قادر به تألیف و تصنیف آثار علمی اصیل و ابتکاری‌اند و غالباً مراحل ارتقاء را نیز پشت سر نهاده‌اند ترجیح می‌دهند که حاصل تلاشها و پژوهشها علمی خود را در برابر حق‌التألیف قابل توجهی در نشریاتی دیگر عرضه کنند، نشریاتی که برخی از آنها به لحاظ ارزش علمی تحقیقی نیز از مجلات دانشگاهی برتر به شمار می‌آیند. به هر حال این مشکل که غالب مجلات دانشگاهی، خاصه در ادبیات، الهیات و علوم انسانی با آن درگیرند، موجب گشته تا مسؤولان این نشریات شاهد وصول مقالاتی غالباً کم ارزش باشند که صرفاً به منظور کسب امتیاز برای ارتقاء نوشته شده و بندرت مقاله‌ای از استادی صاحب نام و صاحب قلم دریافت دارند. بدیهی است که دانشگاه می‌تواند با قدرت و اعمال تدابیری نه چندان دشوار این آب رفته را به جوی بازگرداند و آثار تحقیقاتی و با ارزش هیأت علمی خود را در جایی که حقاً باید نشر یابد، انتشار دهد.

به هر حال، «مقالات و بررسیها» در این ۲۵ سال (از بهار ۱۳۴۹ تا زمستان ۱۳۷۴) علاوه بر بی‌نظمیها در تاریخ نشر، به لحاظ کیفیت طبع و صفحه‌آرایی و از نظر شکل و هیأت تدوین و نیز ارزش مقالات و تنوع موضوعات و مطالب دستخوش فراز و نشیبهای بسیار بوده است. برخی از دفترها به لحاظ احتواء بر مقالات ارزنده، چکیده مقالات به فارسی و انگلیسی یا فرانسه و نیز اشتمال بر بخشهایی نظیر کتاب‌شناسی و نقد کتاب، خبرها و گزارشها و فعالیتهای آموزشی و پژوهشی، خلاصه پایان‌نامه‌های تحصیلی دکتری و کارهای تحقیقی دانشجویان در ردیف برجسته‌ترین مجلات علمی - تحقیقی دانشگاهی در می‌آید و برخی به سبب فقد این بخشها و نیز به دلیل ضعف محتوای علمی - تحقیقی مقالات از سطح مجلات علمی - ترویجی هم فروتر می‌افتد.

تجدیدنظر «کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» در ضوابط مربوط به پذیرش نشریات علمی و تصویب دستورالعملی جدید در وزارت فرهنگ و آموزش عالی (در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۳) و لزوم اخذ مجوز اعتبار درجه علمی جدید برای «مقالات و بررسیها» احراز شرایطی خاص و فراهم ساختن مدارکی چند را ضروری می‌ساخت که از آن جمله افزودن چند تن از اعضاء هیأت علمی دانشگاهها یا مؤسسات عالی دیگر به هیأت تحریریه و نیز ارسال اساسنامه مجله به کمیسیون مذکور بود. پرس و جوی برای

یافتن اساسنامه معلوم داشت که «مقالات و بررسیها» فاقد اساسنامه‌ای مدون بوده است؛ هرچند سرمقاله‌های «عدد اول» از «مجموعه رسائل دانشکده معقول و منقول» و دفتر یکم از «مقالات و بررسیها» مشتمل بر مطالبی است که می‌توان آنها را به منزله اساسنامه به شمار آورد. ناگزیر هیأت مؤسس دوره جدید «مقالات و بررسیها» تشکیل شد و برپایه ضوابط و آیین‌نامه‌های کمیسیون نامبرده و آیین‌نامه‌های «شورای انتشارات مجلات دانشگاه» (وابسته به معاونت پژوهشی دانشگاه تهران) اساسنامه‌ای در یک مقدمه و ۷ ماده تدوین و تصویب کرد (متن این اساسنامه در بخش دوم همین شماره از نشریه آمده است) و در تدوین آن افزون بر اهداف و راه و رسمهای مجلات ادواری و علمی - تحقیقی شناخته شده، شرایط و زمینه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی ایران اسلامی نیز جدأ مورد عنایت قرار گرفت.

خوشبختانه «مقالات و بررسیها» طی حکم شماره ۵۰۶ - ۷۴/۸/۱ به افتخار دریافت اعتبار درجه «علمی - تحقیقی» از وزارت فرهنگ و آموزش عالی نائل گشت (تصویر اعتبارنامه در بخش گزارشها از همین دفتر ارائه شده) و مشخصات آن در تاریخ ۱۹۹۵/۷/۱۲ برابر با خرداد ۱۳۷۴ به شماره ۴۹۶۸ - ۱۰۱۰ در مرکز بین‌المللی ISSN به ثبت رسید.

با بررسی اجمالی آنچه از «مقالات و بررسیها» در دست است و به رغم افت و خیزهای آشکاری که در آن به چشم می‌خورد می‌توان گفت که این نشریه کوشیده تا خطوط کلی و مقصود اصلی «مجموعه رسائل دانشکده معقول و منقول» ۶۱ سال پیش و نیز آنچه را منظور و مقصود پایه‌گذاران آن در فروردین ۱۳۴۹ بوده، در حد امکانات دنبال کند. بی‌تردید با تحوّل ژرف و گسترده‌ای که در نیازهای مادی و معنوی ایران، خاصه پس از انقلاب اسلامی رخ نموده، نه تنها آن اسباب و عوامل که سلسله جنیان نشر چنین مجلاتی در آن روزگار بوده، همچنان به قوت و قدرت خود پابرجاست بلکه به سبب چشم‌داشت و انتظاری که مسلمانان در عالم اسلامی و مشتاقان فرهنگ و تمدن اسلام و هوی خواهان مطالعات اسلامی در میان ملل دیگر، از جمهوری اسلامی دارند، ضرورت شناخت و نشر آنچه «علوم قدیمه» یا «معقول و منقول» خوانده می‌شد و امروز الهیات و معارف اسلامی خوانده می‌شود، عینی‌تر و ملموس‌تر گشته است. بیش از این، از آنجا که مسلمانان بویژه ایرانیان در بنیاد نهادن و گسترش بسیاری از علوم در جهان

سهمی بزرگ و نقشی چشمگیر داشته‌اند باید به عنوان فریضه‌ای دینی و ملی برای درک گذشته علمی و فرهنگی خود و احیاء و پیشبرد و نشر و گسترش آن بکوشند؛ زیرا این معارف و آثار افزون بر آنکه از موارث ما به شمار می‌آید و مایهٔ عدت و شوکت ماست، هم از آن روی که از آبخور زلال کتاب و سنت سرچشمه می‌گیرد می‌تواند شفاعت‌بخش جانهای دردمند و مشتاق در سراسر عالم باشد.

پس این دانشکده، خاصه در این روزگار، باید سعی کند تا نه تنها پیوسته در زمینه تخصصی خود و در سطح مؤسسات علمی - تحقیقی عصر حاضر گام بردارد، بلکه باید در بعضی رشته‌ها که این سرزمین زادگاه و محل نشو و نماي آنها بوده - چنانکه از آن انتظار می‌رود - مرکز و مرجع علمای حاضر گردد و به صورتی تحول یابد که هم شایسته سابقهٔ درخشان ایران در فرهنگ و تمدن و معارف اسلامی باشد و هم جایگاه والای مردم و سرزمین اسلامی ایران پس از انقلاب را در جهان به نمایش بگذارد، و پیداست که کسب این شایستگی جز با عنایت خاص مسؤولان به تربیت پژوهشگرانی فرهیخته و متعهد به آرمانهای دینی و ملی و نیز نشر آثار با ارزش علمی - تحقیقی امکان پذیر نیست؛ و امید است که این نشریه به توفیق الهی و عنایت مسؤولان در این راه گام بردارد.